

بررسی ضمیر و انواع آن در گویش لشنی

واژگان کلیدی

*گویش‌شناسی

*گویش لشنی

*ضمیر

*زبان معیار

*زبان‌شناسی

دکتر مریم محمودی *m.mahmoodi75@yahoo.com

دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

رویا دهقانی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد واحد دهقان

چکیده

گویش‌شناسی، شاخه‌ای از زبان‌شناسی کاربردی است که خود نیز در محدوده دانش نوین زبان‌شناسی قرار می‌گیرد. این علم به بررسی شیوه‌ها و تکنیک‌های عملی پژوهش‌های زبانی اختصاص دارد. گویش لشنی یکی از شاخه‌های گویش لری و گویش لری هم یکی از گویش‌های جنوب غرب ایران و از گویش‌های رایج استان فارس است که اکثریت مردم شهرستان ارسنجان به آن صحبت می‌کنند. این مقاله به بررسی ضمیر و شناسایی انواع آن در گویش لشنی می‌پردازد. در این مقاله سعی شده است به روش کتابخانه‌ای و میدانی از طریق مصاحبه با گویشوران کهنسال، انواع ضمیر بررسی، توصیف، تجزیه و تحلیل شود و با ضمیر در زبان فارسی معیار مقایسه گردد. نتایج نشان می‌دهد که در گویش لشنی ساخت ضمیر و کاربردشان تقریباً شبیه فارسی معیار است؛ گرچه بعضی ضمیر تفاوت‌هایی در واج دارند به ویژه در حذف «ن» که به علت قاعده کم‌کوشی می‌تواند باشد، اما مهم‌ترین تفاوت ضمیر گویش لشنی با فارسی معیار در ضمیر شخصی متصل جمع است که در این ضمیر علاوه بر اینکه نون جمع حذف می‌شود، هنگامی که این ضمیر به صامت «میم» و «نون» می‌چسبند این دو صامت تکرار می‌شوند.

۱- مقدمه

۱-۱- بیان مساله

شهرستان ارسنجان (به پارسی میانه ارسنگان) یکی از شهرهای استان فارس است و در فاصله ۱۲۰ کیلومتری شمال شرقی شهرستان شیراز قرار دارد. وسعت تقریبی آن ۱۴۶۹ کیلومتر مربع ۱/۲ درصد کل مساحت استان را شامل می‌گردد. این شهرستان از شمال و شرق به شهرستان پاسارگاد، از جنوب به شهرستان‌های نیریز و شیراز و از غرب به شهرستان مرودشت محدود می‌گردد. (فرمانداری ارسنجان، ۱۳۸۹: ۱۱) نام این شهرستان ارسنگان بوده که «ارسن» به معنای خوش آب و هوا و «گان» به معنای جا و مکان است اما بعد از حمله اعراب به ایران و تغییر زبان ایرانیان نام این شهر به ارسنجان تغییر یافت. این شهرستان ۱۶۶۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. ارسنجان آب‌وهوایی معتدل دارد که برای باغداری و کشاورزی و دامپروری مساعد است.

طایفه لشنی یکی از بزرگترین طایفه‌های سرزمین ایران و جزو طوایف لر است. این طایفه از ایل لر و از طایفه زندیه هستند که در زمان سلطنت کریم خان زند جزو سپاهیان خان زند به فارس آمدند. پس از انقراض سلسله زندیه این طایفه پراکنده شدند و گروهی به ایل قشقایی و عده‌ای در بخش آباد طشک و... سکنی گزیدند. این طایفه در استان لرستان (شهرستان‌های خرم آباد، بروجرذ، الیگودرز، درود و ازنا)، در استان فارس (شهرستان‌های مرودشت، ارسنجان، نیریز) و در استان تهران (شهرستان‌های تهران، شهریار، ورامین) زندگی می‌کنند. تحقیق مورد نظر بر روی ضمیر در گویش طایفه لشنی در شهرستان ارسنجان انجام گرفته است.

امروزه گویش‌شناسی روز به روز توجه چه نهادهای دولتی، چه نهادهای خصوصی و چه دوستداران فرهنگ قرار گرفته است؛ زیرا از میان بیش از ۶۰۰۰ هزار زبان دنیا بیشتر آن‌ها هرگز به درستی توصیف، مطالعه و حتی نوشته نشده‌اند و بسیاری از این زبان‌ها در ۵۰ سال آینده از روی کره خاکی محو خواهند شد و مستند سازی این زبان‌ها امری بسیار ضروری به نظر می‌رسد. سرزمین ایران نیز دارای فرهنگ بسیار غنی و تمدن شگرفی است که دارای زبان‌ها و گویش‌های فراوانی است و حتی تغییراتی که در زبان فارسی وجود داشت باعث

شده که این کشور بهشت زبان شناسان نام گیرد. بنابراین حفظ این زبان‌ها و گویش‌ها ضروری به نظر می‌رسد. زبان‌های ایرانی خود به شاخه‌های متعددی تقسیم می‌شوند؛ یکی از شاخه‌های زبان‌های ایرانی، شاخه جنوب غربی است. ارانسکی زبان‌های کنونی ایران را از لحاظ تاریخی و لهجه‌شناسی بررسی کرده و اظهار داشته است که زبان‌ها و لهجه‌های ایرانی جنوب غربی از لهجه‌های باستانی جنوب غربی فلات ایران (سرزمین پارسه) ریشه می‌گیرند (ارانسکی، ۱۳۵۸: ۱۲۸).

گویش لشنی از شاخه‌های گویش لری است و زیرمجموعه گویش لری قرار می‌گیرد. در این پژوهش که هدف آن بررسی ضمیر در گویش لشنی است پس از مروری اجمالی بر تحقیقات پیشین و ارائه تعریفی مختصر از مفهوم گویش، ضمیر در گویش لشنی بررسی و ارائه می‌گردد.

۱-۲- روش پژوهش

روش پژوهش در این تحقیق روش کتابخانه‌ای - میدانی است که یافته‌ها از طریق مصاحبه با گویشوران میانسال تا کهنسال بدست آمده، همچنین شم زبانی یکی از نگارندگان که خود با گویش لشنی آشنایی داشته، در تجزیه و تحلیل بهتر و دقیق‌تر داده‌ها بکار گرفته شده است.

۱-۳- پیشینه تحقیق

در مورد زبان‌ها و گویش‌های مختلف ایران تحقیقات بسیاری صورت گرفته است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: «رده‌شناسی زبان‌های ایرانی» از محمد دبیر مقدم (۱۳۹۲) در پانزده فصل نوشته شده که چهارده فصل آن به زبان‌های ایرانی پرداخته و فصل پانزدهم آن درباره یافته‌ها و پیامدهاست، «نگاهی به گویش‌نامه‌های ایرانی» علی اشرف صادقی (۱۳۷۹) مجموعه‌ای از نقدها و بررسی‌هاست، «فرهنگ تطبیقی - موضوعی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نو» از محمد حسن دوست (۱۳۸۹) در این کتاب نویسنده به بررسی تحول تاریخی تطبیقی واج‌های ایرانی باستان در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نو، بررسی تأثیر موقعیت جغرافیایی در تحول واج‌ها و شکل‌گیری نظام واجی هر یک از گویش‌ها، شناسایی و بازسازی لغات بازمانده

در گویش‌های ایرانی پرداخته است، «معرفی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی» ح رضایی باغبیدی (۱۳۸۰)، «زبان‌های ایرانی» از ازانسکی (۱۳۵۸)، و...

درباره گویش لری نیز کتاب و مقالات بسیاری نوشته شده است که از آن جمله است:

کتاب‌ها:

«فرهنگ گویش لری» از محمد نظری (۱۳۹۳)، کتاب به دستور زبان و واژه‌نامه گویش لری اختصاص پیدا کرده است و گذشته بر این واژه‌ها و اصطلاحات لری با الفبای صوتی و معنی آورده شده است تا بیان و درک آن برای همه فراهم شود. «گویش لری بویر احمدی» از اسفندیار طاهری (۱۳۹۴) در این کتاب به توصیف زبان‌شناسی و واج‌شناسی این گویش پرداخته شده و دستور آن که شامل ساخت واژه و نحوه گویش است، تحلیل شده است، «گویش لری از واج تا جمله» از احمد بارانی (۱۳۹۱) و...

مقالات:

«زمان دستوری و نمود در گویش لری بالاگریوه» از آرزو سلیمانی و فریده حق بین (۱۳۹۵) این مقاله نشان می‌دهد که این گویش دارای دو زمان دستوری گذشته و غیر گذشته است و دارای چهار ساخت دستوری حال ساده، گذشته ساده گذشته نقلی و گذشته بعید است.

«نمود دستوری در گویش لری بختیاری» والی رضایی و مریم امانی بابادی (۱۳۹۲)، این مقاله به نمود دستور در روستای دهنو کوه‌رنگ پرداخته است و نمودهای ناقص، تام و کامل مورد تحلیل قرار گرفته و این مقاله به این نتیجه رسیده است که این گویش مانند فارسی معیار تمایز نمودی بین نمود تام، کامل و ناقص به صورت وجود یا عدم وجود تکواژ قابل تشخیص است.

«فعل در گویش بختیاری» از اسفندیار طاهری (۱۳۸۵) در این مقاله، مباحثی مانند ساخت ماده‌های مضارع و ماضی، ساخت مصدر و صفت مفعولی، ادات فعلی، انواع فعل از نظر وجه،

زمان و نمود، ساخت فعل مجهول، صرف فعل‌های خاص و تأثیر فرایندهای آوایی در صرف فعل‌ها ارائه شده‌اند. در هر بخش، مباحث نحوی مرتبط با موضوع مورد بحث نیز بررسی شده است. «ساخت فعل در گویش ملایری» از سهیلا صارمی (۱۳۸۶) و...

اما تاکنون به غیر از «فعل در گویش لشنی» از پریسا داوری و رویا دهقانی (۱۳۹۶) پژوهشی در مورد گویش لشنی صورت نگرفته است و این تحقیق جز نخستین پژوهش‌ها در نوع خود است. پژوهش‌های مربوط به گویش‌های ایرانی بسیار اندک و بسیار پراکنده و ناسامانند به-گونه‌ای که نمی‌توان تصویری کلی از آنها چه از نظر طبقه‌بندی جغرافیایی و رده‌شناسی و چه از نظر پیشینه تاریخی و ارتباط ژنتیک آنها با یکدیگر ارائه کرد.

۱-۴- ضرورت و اهمیت تحقیق

گویش‌شناسی به بررسی شیوه‌ها و تکنیک‌های عملی پژوهش‌های زبانی اختصاص می‌پردازد. شناخت علمی زبان، گویشها و لهجه‌های ایرانی می‌تواند در برنامه‌ریزی زبانی، افزایش غنای زبان فارسی، وضع اصطلاحات علمی و بررسی‌های فرهنگی استفاده شود.

گویشهای ایرانی بخش مهمی از فرهنگی ما را تشکیل می‌دهند و حفظ و نگهداری از آنها بر همگان لازم است. عدم توجه به آنها موجب زوال و نابودیشان است. تحقیق حاضر نیز به قصد ثبت و بررسی گویش لشنی و تلاش در جهت حفظ و نگهداری آن انجام شده است.

۱-۵- پرسش‌ها و فرضیات پژوهش

پژوهش حاضر قصد دارد که انواع ضمیر در گویش لشنی را بررسی کند و بر این اساس در پی یافتن پاسخ پرسش‌های زیر است:

الف- گروه‌های ضمیر در گویش لشنی کدامند؟

ب- ساخت‌های ضمیر در گویش لشنی چگونه است و با فارسی معیار شباهت دارد یا متفاوت است؟

با توجه به پرسش‌های مطرح شده فرضیه‌های تحقیق عبارتند از :

الف- گروه‌های ضمیر با فارسی معیار شباهت دارد و یکسان است.

ب- ساخت‌های ضمیر در گویش لشنی اندکی با ساخت‌های ضمیر فارسی معیار متفاوت است.

۲- بحث و بررسی

۲-۱- گویش

گویش‌شناسی مطالعهٔ گویش‌های محلی و تغییرات و دگرگونی صدا و واژگان و شکل‌های دستوری درون یک زبان است. اصطلاح گویش معمولاً هم برای توصیف لهجه (دگرگونی اصوات در یک زبان) و هم برای گونه‌های زبان با تغییرات ساختمان دستوری و واژگان بکار می‌رود. باطنی در تعریف گویش می‌نویسد: « در بعضی از کشورها که یک زبان رسمی دارند، مانند ایران و فرانسه، زبانهایی یافته می‌شود که با ملاکهای زبانشناسی، زبانهایی تمام عیارند، بدون توجه در گذشتهٔ دور یا نزدیکی مربوط به هم بوده‌اند. ولی این زبانها چون در داخل مرزهای سیاسی این کشورها قرار گرفته‌اند و زبان رسمی نیستند و از طرف دیگر اکثراً خط مستقل و ادبیات جداگانه‌ای ندارند، با زبان رسمی کشور از نظر اجتماعی هم‌پایه نیستند. در این کشورها مردم ترجیح می‌دهند اصطلاح زبان را برای زبان رسمی کشور بکار برند و این زبان‌ها را با نام دیگری بنامند. در زبان فرانسه به این زبانها patois می‌گویند و در فارسی می‌توان اصطلاح گویش را برای آنها بکار برد» (باطنی، ۱۳۵۴: ۲۸).

مدرسی اصطلاح گویش را در برابر dialect بکار می‌برد و معتقد است: اصطلاح گویش در مورد تفاوت‌های تلفظی، دستوری و واژگانی گونه‌های زبانی بکار می‌رود. (مدرسی، ۱۳۶۸: ۱۳۳) برخی گویش را صورت تغییر یافته‌ای از یک زبان می‌دانند که برای دیگر سخنگویان آن زبان قابل فهم نباشد. گویشها علاوه بر تفاوت‌های آوایی و واژگانی، تفاوت‌های دستوری زیادی با هم دارند. (کلباسی، ۱۳۷۴: ۲۹)

مطالعه نظام‌مند گویشها بیش از یک قرن است که ادامه دارد. در یونان باستان هم گویشها اهمیت فراوان داشته است و یونانیان از تفاوت گویشها آگاه بوده‌اند. اما این نودستوریان بودند که بررسی گویشها را زمینه‌ای بسیار اساسی و ضروری برای بررسی های علمی درباره زبان مبدل کردند؛ زیرا به اعتقاد آنان کار در این زمینه می‌تواند بر تغییر تاریخی زبان پرتو تازه بیفکند. چرا که آن گویشها در واقع، نمایانگر واپسین مرحله از مراحل گوناگون تنوع و تغییر در خانواده زبان‌های هند و اروپایی بودند. (روبینز، ۱۳۸۰: ۳۸۶)

در اصطلاح زبان‌شناسی، گویشور (Speaker) به فردی که به زبان یا گویشی تکلم می‌کند اطلاق می‌شود. «گویشوران بومی یک زبان کسانی هستند که بطور طبیعی آن زبان را در کودکی فرا گرفته‌اند» (اگرادی، ۱۳۸۰: ۱۰). گویشور در بهترین شرایط، خود و والدینش در منطقه‌ای که به آن گویش تکلم می‌کنند به دنیا آمده و رشد و نمو کرده‌اند. تفاوت‌های گفتار گویشوران «به محیط جغرافیایی و ویژگی‌های اجتماعی آنان مربوط می‌شود، تفاوت‌هایی نیز میان آنها وجود دارد که از موقعیت گفتار بر می‌خیزد» (سلامی، ۱۳۸۳: ۳۰). درباره گویش لری نیز باید گفت که روبینز (۱۳۸۰) گویشهای لری را به دو دسته گویش لری بزرگ و لری کوچک تقسیم کرده است. دسته اول گویش استانهای فارس، کهگیلویه و بویر احمد و چهار محال و بختیاری را شامل می‌شود و دسته دوم در برگیرنده گویش استانهای لرستان، ایلام و خوزستان شمالی است.

۲-۲- ضمیر

ضمیر «اسم کنایه‌ای است که جای اسم صریحی را می‌گیرد و آن اسم صریح را مرجع آن ضمیر نامند» (خیامپور، ۱۳۷۳: ۳۱). برخی ضمیر را به چهار قسم تقسیم کرده‌اند: ضمیر شخص، ضمیر اشاره، ضمیر مشترک، ضمیر اختصاص. (ر.ک. همان: ۳۲) در دستور زبان پنج استاد و دستورنامه اقسام ضمیر عبارتند از: شخصی، اشاره و مشترک. (یاسمی و دیگران، ۱۳۷۱: ۸۰ و مشکور، ۱۳۶۸: ۴۴) گاهی نیز برای ضمیر شش نوع برشمرده‌اند: شخصی، پیوسته، مشترک، اشاره، پرسش و نامعین. (امین مدنی، ۱۳۶۳: ۱۱۷) از نظر انوری و گیوی

ضمیر هشت قسم است: شخصی، مشترک، اشاره، پرسشی، تعجبی، مبهم، شمارشی، ملکی (اختصاصی) (انوری و گیوی، ۱۳۶۷: ۱۶۹)

با توجه به تقسیمات مذکور و تعاریف ارائه شده، در گویش لشنی می‌توان ضمیر را به شکل زیر تقسیم کرد:

۲-۲-۱- ضمیر شخصی

ضمایری هستند که برای هر یک از اشخاص (گوینده، شنونده و دیگر کس) ساخت و گونه جداگانه دارند و چون هر یک از آن سه شخص ممکن است مفرد یا جمع باشد از این رو ضمیر شخصی شش ساخت (صیغه) دارد:

۱-من، م ۴-ما، مان

۲-تو، ت ۵-شما، تان

۳-او (وی) ش ۶-ایشان، شان (همان: ۱۶۹)

بدین ترتیب این ضمیر از نظر ساخت واژه به ضمیر شخصی منفصل و متصل تقسیم می‌شوند.

۲-۲-۱-۱- ضمیر شخصی منفصل یا گسسته

این ضمیر به کلمه قبل از خود متصل نمی‌شود و به تنهایی بکار می‌رود و معنی مستقل دارد. (همان: ۱۶۷) در گویش لشنی تمام ضمیر شخصی صرف می‌شوند. جدول شماره (۱) این نوع ضمیر را در گویش لشنی نشان می‌دهد.

جدول شماره (۱) ضمیر شخصی منفصل در گویش لشنی

شخص	اول شخص	دوم شخص	سوم شخص
مفرد	من /me/	تو /to/	او /?i/-/?u/
جمع	ما /mo/	شما /šoma/	آن ها /?inā/-/?unā/

مثال:

me hardem/ ۱- اول شخص مفرد	"من خوردم."
/to hardi/ ۲- دوم شخص مفرد	"تو خوردی."
?/u hard/ ۳- سوم شخص مفرد	"او خورد."
/mohardim/ ۱- اول شخص جمع	"ما خوردیم."
/šomohardin/ ۲- دوم شخص جمع	"شما خوردید."
?/unā harden/ ۳- سوم شخص جمع	"آنها خوردند."

در ضمیر اول شخص همچنان که مشخص است علاوه بر حذف نون، فتحه تبدیل به کسره می‌شود و در ضمیر اول شخص جمع مصوت بلند «آ» تبدیل به مصوت کوتاه «و» می‌گردد. در ضمیر دوم شخص جمع نیز مصوت بلند «آ» تبدیل به مصوت کوتاه «و» می‌گردد که این تبدیل واجی نسبت به ضمائر در فارسی معیار نشان از محاوره‌ای بودن گویش و همچنین قاعده کم‌کوشی و تلفظ آسان‌تر دارد؛ زیرا تلفظ مصوت بلند نسبت به مصوت کوتاه انرژی و وقت زیادتری می‌برد.

۲-۲-۱-۲- ضمیر شخصی متصلیا پیوسته

این ضمیر به تنهایی نمی‌آید و همیشه به اسم، حرف یا ضمیر دیگری متصل می‌شود و به تنهایی دارای معنی نیست. این ضمائر عبارتند از م، ت، ش، مان، تان، شان
جدول شماره (۲) این ضمائر را در گویش لشنی نشان می‌دهد.

جدول شماره (۲) ضمائر شخصی متصل در گویش لشنی

شخص	اول شخص	دوم شخص	سوم شخص
مفرد	/-m/ م /-em/	/-t/ ت /-et/	ش -- /eš/ ش /-š/
جمع	مان /-mu(n)/	تان /tu(n)/	شان /su(n)/

مثال:

شکم	/kom-m-em/ ۱-اول شخص مفرد
شکمت	/kom-m-et / ۲-دوم شخص مفرد
شکمش	/kom-m-eš / ۳- سوم شخص مفرد
شکمان	/kom-m-mu(n) / ۱-اول شخص جمع
شکمتان	/kom-m-tu(n) / ۲-دوم شخص جمع
شکمشان	/kom-m-šu(n)/ ۳- سوم شخص جمع

ضمایر شخصی پیوسته هنگامی که به واژه‌هایی که حرف آخرشان صامت است، متصل می‌شوند و واژه‌هایی که آخرشان مختوم به صامت /m/ و /n/ باشد، تکرار می‌شوند و به صورت میانجی می‌آیند.

مصوت فتحه نیز تبدیل به کسره می‌شود که در بیشتر گویش‌ها ایران به ویژه گویش‌هایی که مربوط به غرب ایران است، چنین حالتی وجود دارد.

این ضمایر در اتصال به واژه‌هایی که مختوم به واکه هستند به صورت زیر می‌آیند و بلافاصله به واژه می‌چسبند، مثال

تابم	/huli-m/ ۱-اول شخص مفرد
تابت	/huli -t / ۲-دوم شخص مفرد
تابش	/huli -š / ۳- سوم شخص مفرد
تابمان	/huli -mu(n) / ۱-اول شخص جمع
تابتان	// ۲-huli -tu(n) دوم شخص جمع
تابشان	/huli -šu(n)/ ۳- سوم شخص جمع

توضیح: حرف داخل پرانتز را برخی از افراد تلفظ می‌کنند و برخی تلفظ نمی‌کنند.

۲-۲-۲- ضمیر اشاره

این نوع ضمیر به جای اسم می‌نشیند و چنانچه از نامش نیز پیداست مفهوم اشاره را می‌رساند و مرجع مشخصی دارد مانند این و آن و ترکیبات آنها (باطنی، ۱۳۸۵: ۱۳۹). ضمائر اشاره در گویش لشنی به صورت زیر می‌آید.

ضمائر اشاره به نزدیک:

/?i/ و /?iye/?inā/ «این»، /?inā/ و /?ināye/?inā/ «این‌ها»

ضمائر اشاره به دور:

/?u(n)/ و /?uwe/?unā/ «آن»، /?unā/ و /?unāye/?unā/ «آن‌ها»

مثال:

/?imāl eye/	"این مال من است."
/?iyebey be me/	"این را بده به من"
/?u(n) čengmizne/	"آن نوک می‌زند."
/?uwebelzemin/	"آن را بگذار زمین"
/?inā mal moye/	"این‌ها مال ماست."
/?ināyehardi/	"این‌ها را خوردی؟"
/?unā key vergašten/	"آنها کی برگشتند؟"
/?unāyeborden/	"آنها را بردند؟"

در گویش لشنی ضمیر اشاره چه اشاره به نزدیک و چه اشاره به دور، آنچنان که از جدول بالا نیز پیداست، در صورت مفرد بودن نون از آخر ضمیر حذف می‌شود و در صورت جمع بودن نون تلفظ می‌شود اما «ه» تلفظ نمی‌گردد که این امر نیز به دلیل این است گویش بر پایه گفتار است و تلاش بر این است تا مفهوم کلام زودتر رسانده شود؛ برای همین حرف‌هایی همچون «ه» در گویش تلفظ نمی‌شوند و به کار نمی‌روند.

گاهی نیز برای اشاره و تاکید، ضمیر اشاره به اشکال زیر در این گویش کاربرد دارد:

/hami/ «همین» - /homu/ «همان»

/haminun/ «این یکی‌ها» - /hamunun/ «آن یکی‌ها»

/haminuniyā/ «این یکی‌ها» - /hamununiyā/ «آن یکی‌ها»

این ضمایر نیز دقیقاً مانند ضمایر اشاره مفرد و جمع که در بالا به آن اشاره شد، دارای همان تغییرات هستند.

/hamimāl-e ?iye/	"این یکی مال توست."
/hamu(n) māl-e ?iye/	"آن یکی مال او است."
/haminun-e-bardār/	"همین یکی را بردار"
/hamununmāl ?unāye/	"همان ها مال آنهاست."
/hamuniyā ?I kāy-e kerdn/	"همانها این کار را کردند."

۲-۲-۳ - ضمیر متقابل یا دو سویه

« نوع خاصی از ضمیر انعکاسی ضمایر متقابل «یکدیگر، همدیگر» و هم می‌باشد که تنها با نهاد جمع بکار می‌رود» (مشکوه الدینی، ۱۳۷۰: ۱۵۵) این ضمایر در این گویش عبارتند از:

«همدیگر» /hamdiye/، «یکدیگر» /yekdiye/، /yakdiye/

مثال:

/?unāhamdiye-ye miyā(n)/	"آن ها همدیگر را دوست دارند."
/moyekdiyebāhamim/	"ما یکدیگر با هم هستیم"

در این نوع ضمیر در گویش لشنی، «گر» از ضمیر حذف می‌شود که این نوع حذف در دیگر گویش‌های غرب کشور در ضمائر ماقبل دو سویه مشاهده می‌شود که دلیلش نیز قاعده کم-کوشی زبانی است البته در این نوع ضمیر به خاطر این که واژه یک در این گویش دارای دو نوع تلفظ yek/yak است، ضمیر یکدیگر پس از حذف «گر» دو نوع تلفظ می‌گردد.

۲-۲-۴- ضمیر مشترک

ضمیر مشترک آن است که در شش شخص، فعل مشترک است و همیشه به صورت مفرد بکار می‌رود و سه شکل دارد: خود، خویش، خویشان. (امین مدنی، ۱۳۶۳: ۱۱۸)؛ در این گویش ضمیر مشترک همانند فارسی معیار /xod/ است که با ضمائر شخصی پیوسته متصل ترکیب می‌شود و ضمائر پیوسته شخصی، همانند توضیحاتی که در بالا ذکر شد، یعنی همان حذف نون در ضمائر جمع و تبدیل فتحه به کسره در ضمیر اول شخص مفرد، به واژه خود می‌چسبند. در جدول ۴-۱-۵ این ضمائر شرح داده شده است.

جدول شماره (۳) ضمائر مشترک

«ضمائر مشترک»		
شمار	جمع	مفرد
اول شخص	/xodemu(n)/ (خودمان)	/xodem/ (خودم)
دوم شخص	/xodetu(n)/ (خودتان)	/xodet/ (خودت)
سوم شخص	/xodešu(n)/ (خودشان)	/xodeš/ (خودش)

/bāmāšixodešu(n) raften/	"با ماشین خودشان رفتند."
/me xodemgoftem/	"من خودم گفتم."

۲-۲-۴-۱- ضمیر مشترک تاکیدی

هرگاه ضمیر مشترک در جایگاه نهاد و یا غیر هم مرجع با نهاد قرار گیرد به آن ضمیر مشترک تاکیدی (ضمیر تاکیدی) می‌گویند (مشکوه‌الدینی، ۱۳۷۰: ۱۵۴) این نوع ضمیر در این گویش همانند فارسی معیار است؛ مانند:

/me xoderaftem/	"من خود رفتم."
/moxoderaftin/	"ما خود رفتیم."
/?u xoderaφ/	"او خود رفت."
/šomoniya xoderaftin/	"شما خود رفتید."
/to xoderafti/	"تو خود رفتی."

۲-۲-۴-۲- ضمیر مشترک انعکاسی

ضمیر مشترکی است که در جایگاه مفعول صریح و یا متمم (مفعول بواسطه) هم مرجع با نهاد ظاهر گردد. (همان: ۱۵۵) مانند:

/me xodemšoštem/	"من خودم شستم."
/to xodetšošti/	"تو خودت شستی."
/?unāxodešušoštñ/	"آن‌ها خودشان شستند."
/moxodemušoštñ/	"ما خودمان شستیم."
/šomoxodetušoštñ/	"شما خودتان شستید."
/?u xodeššošt/	"او خودش شست."
/?orsisixodemxarida/	"کفش برای خودم خریدم."
/?orsisixodetxaridi/	"کفش برای خودت خریدی."
/?orsisixodešxard/	"کفش برای خودش خرید."
/?orsisixodemuxaridim/	"کفش برای خودمان خریدیم."

/?orsisixodetuxaridin/	"کفش برای خودتان خریدید."
/?orsisixodešuxariden/	"کفش برای خودشان خریدند."

در این نوع ضمیر، گویشور لشنی، واژه خود را کامل تلفظ می‌کند اما در ضمائر متصل که به خود متصل شده‌اند؛ در ضمائر مفرد مصوت فته در زبان معیار تبدیل به مصوت کسره در گویش لشنی می‌شود و در ضمائر جمع، مصوت بلند «آ» تبدیل به مصوت بلند «و» می‌شود که این تبدیل مصوت‌ها در اکثر گویش‌های کشور چه گویش شرق و چه گویش غرب دیده می‌شود که برا سهولت تلفظ است. همچنین در این نوع ضمیر، در ضمائر جمع، «نون» را حذف می‌کنند که می‌تواند دلیلش قانون کم‌کوشی زبان باشد.

۲-۲-۵- ضمیر پرسشی

کلمه‌ای است که برای پرسش جای اسمی را بگیرد. (امین مدنی، ۱۳۶۳: ۱۲۱ ضمائر پرسشی در این گویش عبارتند از :

۱- če «چه» مانند : «چه کردی» /čekerdi?/

۲- «که، چه کسی»؛ مانند «چه کسی انار را خورد؟»

۳- /ke/ «کی و چه وقت؟» مانند : «کی شیراز می‌روند؟» /key merrenširāz?/

۴- /čemejāl/ یا /čewaxt/ «چه وقت؟» مانند : «چه وقت بلند می‌شوی؟» /čemejālbolendmiyey(miši)/

۵- /kodommm/ و /kodomā/ «کدامیک» مانند :

/kodommmāltoye/	"کدام یک مال توست؟"
/kodomā-ye mihāh/	"کدام یک را می‌خواهی؟"

۶- /čeqad/ «چقدر، چه مقدار، چه اندازه؟»؛ مانند :

/ čeqad der miyā/	"چه مقدار وزن دارد؟"
-------------------	----------------------

۷- /čantā/ «چند تا، چه مقدار؟» مانند:

/čantāhunedāri/	"چند تا خانه داری؟"
-----------------	---------------------

۸- /čanmartebe/ «چند مرتبه، چند بار؟» /čandbāar/مانند:

/?emručandbāarčeyhardi/	"امروز چند بار چای خوردی؟"
-------------------------	----------------------------

۹- /kojā/ «کجا؟» مانند:

/jumam-e kujāhešti/	"پیراهنم را کجا گذاشته‌ای؟"
---------------------	-----------------------------

۱۰- /četowri/ و /četari/ «چه طوری؟» مانند:

/četowrizeminet- ?owmiyey/	"چطوری زمینت را آب می‌دهی؟"
----------------------------	-----------------------------

۱۱- /siče/ «چرا، برای چه؟» مانند:

/sičemuyegulzedi/	"برای چه (چرا) ما را گول زدی؟"
-------------------	--------------------------------

۱۲- /ku/ «کجاست؟» مانند:

/ku ?ali-yu?/	"علی کجاست؟"
---------------	--------------

آن‌چنان که مشاهده می‌شود، این نوع ضمائر، شباهت بسیاری به ضمائر فارسی معیار دارند، تنها برخی از ضمائر تبدیل واجی شده‌اند به عنوان نمونه «چطوری» تبدیل به «چطری» شده است یا اینکه برخی کمی با فارسی معیار دارند مانند «سی چه» که به جای «برای چه» و «چرا» به کار می‌روند. که همین واژه در گویش لری نیز دیده می‌شود و همچنان که در بالا اشاره شد گویش لشنی، شاخه‌ای از گویش لری است.

۲-۲-۶- ضمیر مبهم

ضمایر مبهم یا نامعین واژه‌هایی هستند که بر کس یا چیز و یا مقدار مبهمی دلالت کنند و تنها و بی‌همراهی اسم بیابند. (انوری، گیوی، ۱۳۶۷: ۱۷۵) این ضمایر در گویش لشنی عبارتند از:

۱- /har/ «هر» که با /ke/ «که»، /če/ «چه»، /če□ad/ «چقدر» /ra:r/ «تحر» ترکیب می‌شود و ضمایر مبهم مرکب /harče/ «هر چه»، /harke/ «هر که» و /harčeqad/ «هر چقدر» و /harta:r/ «هر طر»

/harkemihāvergarde/	"هر کس دوست دارد برگردد."
/harčekerdigerbi/	"هر چه کردیم، گریه کرد."
/harčeqadmihāaybowr/	"هر چقدر می‌خواهی، ببر."
/harta:rkerdemnahard/	"هر طور کردم نخورد."

۲- /hiš/ و /hič/ «هیچ» که با واژه‌های /či/ «چیزی»، /ke/ «که»، /kas/ «کس»، /kodom/ «کدام»، /ja/ «جا»، /taraf/ «طرف»، ترکیب می‌شود و ضمایر مبهم مرکب /hičči/ «هیچ چیز»، /hičjā/ «هیچ جا»، /hiše/ «هیچ که»، /hiškas/ «هیچ کس»، /hiškodo/ «هیچ کدام»، /hištraf/ «هیچ طرف» را می‌سازد؛ مانند:

/me hiččinārem/	"من هیچ چیزی ندارم"
/hiš kea z injenabābere/	"هیچ کس نباید از اینجا برود."
/hiškodominjenekenis/	"هیچ کدام اینجا نیست."

۳- /čantā/ «چند تا»

/čantāxaridi/	"چند تا خریدی؟"
---------------	-----------------

۴- /heme/ «همه» با ترکیب /či/ «چیز»، /haeyči/ «همه چیز»

/hameraften/	"همه رفتند."
/hameyčidārim/	"همه چیز داریم."

۵- /feluni/ «فلانی»، /folunkas/ «فلان کس»، /folun/ «فلان»؛ مانند:

/foluni ?ikar-e kerde/	"فلانی این کار را کرد."
/folunkasra/	"فلان کس رفت."

۶- /bisār/ «فلان»

۷- /ba:zi/ «بعضی»، مانند:

/ba:zi ? ādamiyabikāren/	"بعضی افراد بیکارند."
--------------------------	-----------------------

۸- /yeči/ «چیزی»، مانند:

/yečibeybowherim/	"چیزی بده بخوریم."
-------------------	--------------------

۹- /keyliyā/ «خیلی‌ها»، مانند:

/keyliyā de ?arusibidan/	"خیلی‌ها در عروسی بودند."
--------------------------	---------------------------

همچنان که از مثال‌های بالا پیداست، در ضمائر مبهمی که همراه واژه «چیز» آمده‌اند، صامت «ز» از این واژه‌ها حذف شده است و تبدیل به واژه «چی» شده است و همچنین ضمائر مبهمی که با واژه «هیچ» ترکیب می‌شوند، در برخی از آنان حرف «چ» طی تغییرات واجی تبدیل به «ش» می‌شود که این تغییرات نیز به دلیل قانون کم‌کوشی و محاوره‌ای بودن گویش لشنی است که این تغییرات را با بررسی بیشتر می‌توان در گویش‌های دیگر ایران نیز دید.

۲-۲-۷- ضمائر تعجبی

ضمیر تعجبی همان کلمه «چه» است که بی‌همراهی اسمی بیاید و مفهوم شگفتی و تعجب را برساند (همان: ۱۷۹). این ضمائر با آهنگ مخصوصی ادا می‌شوند که بیانگر شگفتی گوینده است. در گویش لشنی مانند:

۱- /če/ «چه»، مانند :

/čekohbolendi/	"چه کوه بلندی"
----------------	----------------

این نوع ضمیر با فارسی معیار مطابقت کامل دارد.

نتیجه‌گیری

حفظ، بررسی و تحلیل گویش‌های ایرانی امروزه بر هیچ کسی پوشیده نیست؛ بنابراین این مقاله به بررسی یکی از گویش‌هایی که در شهرستان ارسنجان به آن سخن گفته می‌شود، یعنی گویش لشنی، پرداخته است. گویش لشنی یکی از گویش‌های لری و گویش لری متعلق به شاخه جنوب غربی زبان فارسی است. در این گویش ضمائر از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند و ما نیز در این مقاله به بررسی ضمیر در گویش لشنی پرداختیم، در گویش لشنی ساختار و کاربرد ضمائر شبیه فارسی معیار است اما اندکی تفاوت واجی دارند و در ضمائر شخصی متصل «ن» حذف می‌شود و هنگامی که به «م» یا «ن» این ضمائر می‌چسبند این دو صامت مشدد می‌شوند.

انواع ضمایر در گویش لشنی در این مقاله به شرح زیر است:



مفرد- م خودِم، تو خودِیت، او خودِش

ضمایر مشترک تأکیدی

جمع- مُو خودِمو، شما خودِتو، اونا خودِشو

ضمایر پرسشی: چه، چه کسی، چه مجال، کدوم، کدوما، چقد، چنتا، چه طری، سی چه

ضمایر مبهم: هر، هر که، چقد، هیش، هیش طرف، فلونی، فلون کس، بیسار، خیلیا، بعضی

ضمیر تعجیبی: چه

منابع

- ۱- ارانسکی، ای، ام (۱۳۵۸). مقدمهٔ *فقه اللغة ایرانی*، ترجمهٔ کریم کشاورزی. تهران: پیام.
- ۲- احمدی گیوی، حسن و انوری، حسن (۱۳۶۷). *دستور زبان فارسی*. تهران: فاطمی.
- ۳- اگردادی، ویلیام (۱۳۸۰). *درآمدی بر زبان شناسی معاصر*، ترجمهٔ علی درزی، تهران: مهر.
- ۴- امین مدنی، صادق (۱۳۶۳). *دستور زبان فارسی*. تهران: شرکت افست.
- ۵- باطنی، محمدرضا (۱۳۷۶). *توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی*. تهران: امیرکبیر.
- ۶- ----- (۱۳۵۴). *مسائل زبان‌شناسی نوین*: ده مقاله. تهران: آگاه.
- ۷- خیامپور، عبدالرسول (۱۳۷۳). *دستور زبان فارسی*. تهران: کتابفروشی تهران.
- ۸- روبینز، آر اچ (۱۳۸۰). *تاریخ مختصر زبان‌شناسی*. ترجمهٔ علی محمد حق‌شناس، تهران: انتشارات کتاب ماد.
- ۹- سلامی، عبدالنبی (۱۳۸۳). *گنجینهٔ گویش‌شناسی فارس*. تهران: آثار.
- ۱۰- فرمانداری ارسنجان (۱۳۸۹). *آمار نامهٔ شهرستان ارسنجان*.
- ۱۱- کلباسی، ایران (۱۳۷۴). *فارسی ایران و تاجیکستان*. تهران: موسسهٔ چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۱۲- مدرسی، یحیی (۱۳۶۸). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۱۳- مشکوهٔ الدینی، مهدی (۱۳۷۹). *دستور زبان فارسی بر پایهٔ نظریهٔ گشتاری*. مشهد: فردوسی.
- ۱۴- یاسمی، رشید و دیگران (۱۳۷۱). *دستور زبان پنج استاد*. چاپ دوم، تهران: نگاه و علم.